

## **Differentiation of Legislative Criminal Policy Responses to Apparent Crimes in Cyberspace**

1 Amir Hossein Javanbakht: PhD Candidate in Law (Criminal Law and Criminology), Department of Law, Tehran Central Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

2 Abolghasem Khodadi\*: Assistant Professor, Department of Law, Shahed University, Tehran, Iran. Email: a.khodadi@gmail.com (Corresponding Author)

3 Mohammad Jafar Saed: PhD Candidate in Law (Criminal Law and Criminology), Department of Law, Tehran Central Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

### **ABSTRACT**

Attention to the characteristics and distinctions of crimes being committed in cyberspace has led to the formulation of a differentiated approach compared to crimes committed in the physical world, making it comprehensible to the audience of this crime. Therefore, examining the unique characteristics of cybercrimes guides us to the understanding that the models of crime commission in this space will have significant distinctions from those of traditional crimes. Consequently, the differentiation of criminal policy responses in cyberspace, particularly concerning apparent crimes, has led us to investigate important components that assist in this regard. The research method is descriptive-analytical, utilizing library resources for its composition.

**Keywords:** *Differentiation, Criminal Policy, Apparent Crimes, Cyberspace*

How to cite: Javanbakht, A. H., Khodadi, A., & Saed, M. J. (2024). Differentiation of Legislative Criminal Policy Responses to Apparent Crimes in Cyberspace. *Comparative Studies in Jurisprudence, Law, and Politics*, 6(1), 72-94.

© 2024 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

Submit Date: 06 April 2024

Revise Date: 31 May 2024

Accept Date: 05 June 2024

Publish Date: 19 June 2024



پژوهش‌ها و تطبیق فقه،

حقوق و سیاست

## افتراقی سازی پاسخ سیاست جنایی تقنینی به جرایم مشهود در فضای مجازی

۱. امیرحسین جوانبخت: دانشجوی دکتری گروه حقوق جزا و جرم شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
۲. ابوالقاسم خدادی\*: استادیار گروه حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران. پست الکترونیک: [khodadi@gmail.com](mailto:khodadi@gmail.com) (نویسنده مسئول)
۳. محمد جعفر ساعد: استادیار، گروه حقوق جزا و جرم شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

### چکیده

توجه به ویژگی‌ها و تمایزات بزه‌های در حال ارتکاب در فضای مجازی موجب تبیین یک رویکرد افتراقی در مقایسه با بزه‌های ارتکابی دنیای واقعی شده است، امری که برای مخاطبین این جرم آن را قابل درک می‌سازد. از این رو بررسی با توجه به عنوان بررسی اختصاری ویژگی‌های جرایم فضای مجازی ما را بدین حقیقت رهنمون می‌سازد که مدل‌های ارتکاب جرم در این فضا با مدل‌های جرائم سنتی تمایزات قابل توجهی خواهد داشت. از این رو افتراقی سازی پاسخ‌های سیاست جنایی در فضای مجازی و به طور خاص در جرائم مشهود موجب شده تا ما در این بخش به بررسی مؤلفه‌های مهمی بپردازیم که ما را در این امر یاری می‌کنند. روش تحقیق به صورت توصیفی تحلیلی است که در نگارش آن از منابع کتابخانه‌ای استفاده شده است.

**واژگان کلیدی:** افتراقی سازی، سیاست جنایی، جرایم مشهود، فضای مجازی.

جوانبخت، امیرحسین، خدادی، ابوالقاسم، و ساعد، محمد جعفر. (۱۴۰۳). افتراقی سازی پاسخ سیاست جنایی تقنینی به جرایم مشهود در فضای مجازی. پژوهش‌های تطبیقی فقه، حقوق و سیاست، ۶(۱)، ۹۴-۷۲.

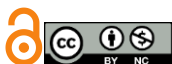
© ۱۴۰۳ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.

تاریخ ارسال: ۱۸ فروردین ۱۴۰۳

تاریخ اصلاح: ۱۱ خرداد ۱۴۰۳

تاریخ پذیرش: ۱۶ خرداد ۱۴۰۳

تاریخ انتشار: ۳۰ خرداد ۱۴۰۳



در فضایی که از آن با عنوان فضای مجازی (سایبری) یاد می‌شود، افراد و اجتماعات خارج از حوزه دولت‌ها نقش آفرینی می‌کنند و کنترل سنتی دولت‌ها بر حوزه‌های کارکردی همچون امنیت، ایجاد نظم سیاسی، مدیریت و ساماندهی فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را با چالش‌های جدی روبرو ساخته‌اند.

امروزه حقوق فضای مجازی، به عنوان مجموعه اصول و قواعد حقوقی حاکم بر فضای سایبر و ارتباطات این فضا تلقی می‌شود. پیشرفت فناوری، پیچیده شدن روابط اجتماعی و اقتصادی و ضرورت همگامی علم حقوق با این تحولات سریع، موجب ایجاد گرایش‌های بسیار فرعی و تخصصی در علم حقوق شده که از یک سو سابقه‌ای برای آن‌ها وجود ندارد و از سوی دیگر، مرتبط ساختن آن‌ها با یکی از گروه‌های اصلی حقوق، دشوار است. حقوق فضای مجازی علاوه بر داشتن این ویژگی‌ها، با یک اشکال عمده هم روبرو است و آن ایراد به اصل وجود این گرایش از حقوق می‌باشد.

همانند برخی دیگر از گرایش‌های نوین حقوق فضای مجازی به عنوان یک گرایش مستقل وجود ندارد؛ بلکه تنها در رشته حقوق است که مباحث حقوقی مرتبط با فضای مجازی در آن مطرح می‌شود. این طرز تلقی، دارای این امتیاز مهم است که از انشقاق علم حقوق و در نتیجه پیچیدگی بدون دلیل آن جلوگیری می‌کند. به علاوه قواعد عمومی حقوق در مورد گرایش‌های جدید اجرا می‌شود و خصوصیت‌های متفاوت این گرایش‌ها، تنها به عنوان استثناء مورد توجه قرار می‌گیرد. این تعصب نسبت به قواعد حقوقی تا اندازه زیادی بیهوده است. به علاوه اگر قرار باشد مسائلی که ایجاد، پیشرفت و فراگیر شدن فضای مجازی در جامعه موجب آن‌ها شده، به طور مستقل بررسی شود، لازم است نام و عنوانی به آن اطلاق شود. به هر حال انتقال روابط اجتماعی به فضای مجازی که شکل و تشریفات ویژه خود را دارد، مطالب تخصصی متناسب با آن را می‌طلبد. هیچ کس منکر این نیست که قواعد حقوقی حاکم بر فضای مجازی، جز در موارد استثنایی، همان قواعدی است که بر سایر روابط حاکم است؛ اما یکسانی قواعد حاکم بر دو گرایش، هرگز این معنا را نمی‌دهد که باید یکی از این دو حذف شده یا نام واحدی بر آن اطلاق گردد.

باید پذیرفت اگر حقوق همپای نیازهای زمان پیش رود و در تصمیم‌گیری‌های کلان یا تخصصی، به دلیل سکوت یا عقب ماندگی، کنار گذاشته نشود، تخصصی شدن آن و پرداختن به تمام مسائل مرتبط با جامعه ضرورت دارد. فضای مجازی که عنوان آن کنایه از یک دنیا یا فضای متفاوت با عرصه مادی دارد، فنون و شگردهای مخصوص خود را دارد و برای شناختن این فضا و قاعده مند کردن آن، باید به همان فنونی مسلح شود که در آن مجری و هر روز در حال تحول و پیچیده‌تر شدن است.

با توجه به دیدگاه‌های مختلف می‌توان گفت فضای سایبر محیطی است مجازی و غیر ملموس، موجود در فضای شبکه‌های بین‌المللی (این شبکه‌ها از طریق شاه راه‌های اطلاعاتی مثل اینترنت بهم وصل هستند) که در این محیط تمام اطلاعات راجع به روابط افراد فرهنگ‌ها ملت‌ها کشورها و بطور کلی هر آنچه در کره خاکی بصورت فیزیکی و ملموس وجود دارد در یک فضای مجازی به شکل دیجیتالی وجود داشته و قابل استفاده و دسترس استفاده کنندگان و کاربران می‌باشند و با رایانه، اجزاء آن و شبکه‌های بین‌المللی بهم مرتبط می‌باشد.

بنابراین در «سایبر اسپیس»<sup>۱</sup> محدوده نبوده و بر این اساس هر کاربر می‌تواند با کمترین هزینه در هر زمان و یا مکان با سایر مردم در هر نقطه‌ای از جهان ملاقات کند و هر اطلاعاتی را با هر کمیّت و کیفیت مبادله کند. بدون اینکه محل حضور واقعی و هویت وی مشخص باشد.

پس به طور کلی فضای سایبر عبارتی است که در دنیای اینترنتی رسانه و ارتباطات بسیار شنیده می‌شود. به نظر می‌رسد به کارگیری این اصطلاح در این زمینه و برای ارجاع به امور فنی به آن رنگ و بویی صرفاً فنی و مکانیکی داده باشد. در منابع موجود آمده است که واژه سایبر از لغت یونانی<sup>۱</sup> «کی برمتیز» به معنای سکاندار یا راهنما مشتق شده است و نخستین بار این اصطلاح سایبرنتیک توسط ریاضیدانی به نام نوربرت وینر<sup>۲</sup> در کتابی با عنوان سایبرنتیک و کنترل در ارتباط بین حیوان و ماشین در سال ۱۹۴۸ به کار برده شده. «سایبرنتیک»<sup>۳</sup> علم مطالعه و کنترل مکانیزمها در سامانه‌های انسانی و ماشینی و رایانه‌ها است. موضوع اصلی سایبرنتیک بررسی ماهیت کنترل در انسان، حیوان و ماشین است و لذا با زیست‌شناسی، روانشناسی، مکانیک، مهندسی، مدیریت و بسیاری علوم دیگر همبستگی دارد. سایبرنتیک توانسته به عنوان دانشی مستقل و در عین حال بین رشته‌ای مطرح شود. در این علم به طبقه بندی و سازماندهی اطلاعات توجه زیادی می‌شود و از این رو در مدیریت اطلاعات و نیز در طراحی نظام‌های اطلاع‌رسانی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

سیاست جنایی ایران نیز همزمان با وقوع انقلاب اسلامی، دست خوش تحولات شگرفی گردید و تحول عمیق در سیاست گذاری جنایی را نیز در ابعاد مختلف باعث شد. تحولاتی نظیر دگرگونی ارزش‌های سابق، تغییر ساختار سیاسی و اجتماعی، تحول نهادها و مراجع قضایی و نسخ اکثر قوانین گذشته، از پیامدهای مؤثر بر سیاست جنایی ایران بوده است. یکی از وسایل مورد استفاده عمده در جامعه کنونی، رایانه و به ویژه بهره‌گیری از اینترنت برای انتقال اطلاعات در فضای مجازی است. وقوع جرم علیه فناوری اطلاعات در فضای مجازی که با نام جرائم سایبری شناخته می‌شود، محدوده بزرگی از جرائم را در بر می‌گیرد که با توجه به استفاده گسترده اشخاص از فضای مجازی در امور مختلف ارتباطات تجاری، اقتصادی، فرهنگی، علمی، هنری، سیاسی و... اهمیت دو چندان می‌یابد؛ از این رو، در سیاست جنایی جوامع، بر این مسئله و پیشگیری از وقوع و مقابله با آن باید توجه لازم مبذول شود.

## اهمیت و نوع جرم

### جرایم علیه اطفال

رشد چشمگیر تکامل «فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات»<sup>۴</sup> و افزایش بهره‌گیری از فضای سایبر<sup>۵</sup> (مجازی) که خود، محصول پیوند فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی می‌باشد و به دنبال آن، دسترسی هرچه آسان‌تر افراد و جوامع به این آورده‌های دنیای مدرن، در عمل سبب کم‌رنگ‌گشتن مرزبندی‌های بنا شده بر اساس ملیت و نژاد، در صحنه بین‌المللی شده است. در حقیقت امروزه جامعه بشری فشردگی در زمان و مکان و به عبارتی «پدیده بین‌المللی شدن»<sup>۶</sup> را تجربه می‌کند. این پدیده، و مشابه آن‌ها فرایندهایی است که آغاز شده و در سال‌های پیش از این با شتاب بیشتری به راه خود ادامه می‌دهند.

تعداد زیاد عناوین بزهکارانه که مربوط به فضای سایبر می‌باشد مقوله «ترس از جرم (بزه)»<sup>۷</sup> را امروزه بین شهروندان افزایش داده است. از این رو در این فضا باید از مقوله پیشگیری از جرم (بزه) و آثار اجرایی جرم‌های بین‌المللی شده نیز یاد کرد که به حقوق جزا ماهیت و واژه‌ی امنیتی داده‌اند. طرح این سخن از این روست که حقوق جزا به بیشترین حوزه‌های زندگی افراد وارد شده و همین طور ابزارهای پیشگیری از

1Keybermetes

2Norbert wiener

3Cybernetics

4. Information and Communication Technologies (ICT)

5. Cyberspace

6. The phenomenon of globalization

۷در بسیاری از جوامع وقتی که جرمی خطرناک اتفاق می‌افتد اثرات و ترس و عدم احساس امنیت ناشی از آن تا مدتها در ضمیر ناخودآگاه اعضای آن جامعه باقی میماند. در این میان جوامع و در رأس آن دولت‌ها و پلیس علاوه بر اتخاذ سیاستهای پیشگیری از جرم، در صدد هستند که ترس از جرم را به حداقل برسانند و امنیتی را در حد معمول و متعارف برقرار کنند.

جرم (بزه) نیز امروزه همین نقش را ایفاء می‌کنند. گسترش پیشگیری از جرم (بزه)، شاخه‌های مختلفی از اقدامهای پیشگیرانه را مطرح کرده که به فضای امنیتی در جوامع منتهی گشته است.

از مهمترین اهداف خط مشی کیفری موثر «پیشگیری» از وقوع جرم (بزه) است. «منظور از پیشگیری هر گونه فعالیت سیاست کیفری است که هدف انحصاری یا جزئی آن، محدود ساختن امکان پیشامد مجموعه اعمال جنایی از راه ممکن ساختن یا دشوار نمودن یا کاهش احتمال وقوع آن است.» پیشگیری از جرم (بزه) در مورد کودکان و در فضای سایبر یکی از مقوله‌های شایع و حیاتی در جرم شناسی یا کیفر شناسی در عصر حاضر می‌باشد. اما یکی از محیط‌هایی که اشخاص به طور جدی تر از گذشته و وسیع تر از فضای فیزیکی در آن در معرض قربانی دشن قرار دارند فضای سایبر می‌باشد. سرعت عمل بالا، به جا نماندن آثار ارتکاب جرم در اغلب موارد، ناشناس ماندن مرتکب جرم، گستردگی کمی قربانیان در اندک زمان و... مهمترین خصوصیات این محیط بوده که بر بزه دیده شدن کودکان به صورت عمد یا اتفاقی تاثیر عمده داشته اند. این خط مشی کیفری می‌تواند از یافته‌های علمی و آکادمیک بیش از هر چیز بهره گیرد. از این رو سیاست کیفری علمی و آکادمیک در این میان می‌تواند نقش موثری را ایفاء نماید. سیاست کیفری کارآمد دارای مشخصه‌هایی مانند، استراتژی، رهیافت مسئله شناسی، موقعیت سنجی، شناختن اهداف، یافتن روش‌ها و تدابیر و سرانجام نوعی نظم و انضباط و سازمان دادن آن‌ها می‌باشد و این سنجیدگی و تفکر لازمه و مقوم علمی و آکادمیک بودن سیاست کیفری است. از این رو در هر یک از آموزه‌ها و تدابیر باید در معرض آزمون و خطا قرار گیرد و به همین جهت باید از متخصصان گوناگون در تدوین و دستیابی به یک سیاست کیفری کارآمد، به روز و الگو برای دیگر کشورها بهره برد (Pica, 2021).

اهمیت بزه‌دیدگی فضای مجازی ما را بر آن وا می‌دارد تا در پی شناسایی عامل‌های مؤثر در این نوع جدید قربانی شدن باشیم از جمله این عوامل می‌توان به عوامل فردی نظیر مدت استفاده از امکانات این فضا، نوع استفاده، جنس، سن، اشتغال، میزان دانش رایانه‌ای، و... اشاره کرد. در واقع این عوامل فردی که در قربانی شدن افراد مؤثرند، عواملی هستند که به نحوی ارادی غیر ارادی به حساب می‌آیند. برخی از عوامل فردی که در بزه‌دیدگی افراد مؤثرند به صورت ارادی و بیرونی هستند. در واقع افراد به نحوی در تأثیر گذاری این عوامل نقش دارند. اینکه افراد چه مدت زمانی را صرف فضای سایبر می‌کنند، ابزار و تجهیزات آنان چه کیفیتی دارد، در چه حدی از علوم رایانه‌ای تخصص دارند و یا به شغل و حرفه‌ای مشغول هستند یا خیر همگی از جمله عوامل ارادی‌اند که در ادامه بیشتر توضیح داده خواهد شد (Javidnia, 2017).

در فضای سایبر نوع استفاده افراد نیز در احتمال بزه‌دیدگی آنان بسیار مؤثر است. همان‌طور که در فضای واقعی رفتار و فعالیت‌های افراد بر احتمال بزه‌دیدگی شان تأثیر گذار است، در فضای سایبر نیز شاهد این تأثیر پذیری هستیم. در نتیجه افرادی که در این محیط دست به فعالیت‌های پرخطر می‌زنند، این رفتار آنان زمینه قربانی شدن آن‌ها را فراهم می‌کند، به عنوان مثال «استفاده از شبکه‌های اجتماعی بر خط مانند مای اسپیس<sup>۱</sup> و فیس بوک<sup>۲</sup> و... به عنوان ابزارهایی برای اشتراک اطلاعات شخصی با دیگران، حضور در شبکه‌های گفت‌وگویی برخط و... در زمره اعمال پرخطر محسوب می‌گردد». در این رابطه باید گفت عضویت در شبکه‌های اجتماعی و ایجاد صفحات شخصی برای ایجاد ارتباط با دوستان در اصل کار خطرناکی نیست، اما از آنجا که پوشیدگی و ناشناختگی از جمله ویژگی‌های فضای سایبر است، هویت کاربران به هیچ عنوان قابل تشخیص و شناسایی نیست. در نتیجه «هر کسی می‌تواند ادعای دوستی کرده وارد صفحه شخصی کاربران شود. حال اگر این‌گونه افراد

1 My space

2 Face book

قصد سویی داشته باشند به راحتی می‌توانند با دستیابی به عکس‌ها و فیلم‌های شخصی و یا سایر اطلاعات خصوصی که کاربران در این صفحات قرار داده‌اند از آن‌ها اخاذی کنند و یا تهدیدشان کنند»

کیفیت و نوع ابزار مورد استفاده در تحقق بزه‌دیدگی مجازی و حتی پیشگیری از آن مؤثر است. در حقیقت باید گفت کیفیت ابزارها با نوع استفاده افراد ارتباط مستقیم دارد، برای نمونه فردی که اینترنت پرسرعت دارد نوع استفاده‌اش بدون محدودیت و گسترده خواهد بود، نسبت به فردی که اینترنت کم سرعت دارد. قاعدتاً افرادی که اینترنت کم سرعت دارند باید زمان زیادی را برای دریافت مثلاً یک فایل فیلم یا موسیقی و یا وارد شدن به سایت‌های مستهجن مختلف صرف کنند. در نتیجه عملاً به صورت کاملاً قهری از این اقدامات صرف نظر نموده و در حد نیاز روزمره از اینترنت استفاده می‌نمایند؛ در مقابل افرادی که دارای اینترنت پر سرعت می‌باشند هیچ محدودیتی را فراروی خود احساس نکرده و به راحتی به فعالیت در فضای سایبر می‌پردازند. احتمال انجام فعالیت‌های پرخطر و در پی آن بزه‌دیدگی مجازی در نتیجه افزایش می‌یابد. اما باید دانست که جهت دسترسی افراد به اینترنت پرسرعت نباید محرومیت ایجاد نمود، چرا که از این طریق افراد قادر خواهند بود به اخبار و اطلاعات دست یابی داشته باشند (Qodsi, 2014).

### جرایم منافی عفت

در نظام قانونگذاری کیفری منبعث از موازین شرعی، قانونگذار جرایم جنسی و خلاف عفت عمومی را در دو مبحث کلی حدود و تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده طبقه بندی می‌نماید. قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ - تا قبل از نسخ صریح آن- در بخش حدود و کتاب پنجم همین قانون در بخش تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده و قانون آزمایشی مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در بخش حدود لازم الاجرا و دارای اعتبار است.

بنابراین در این قسمت تلاش می‌شود با ذکر عناوین مجرمانه مرتبط به اعمال جنسی که پس از انقلاب اسلامی جرم انگاری شده، سیاست گذاری تقنینی جنایی را در این دوران تبیین کرد.

### زنا

به موجب ماده ۲۲۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، عمل جماع مرد و زنی که علقه زوجیت بین آن‌ها نبوده و از موارد وطی به شبهه نیز نباشد حتی اگر این عمل در دبر زن صورت گرفته باشد تحت عنوان کلی زنا، جرم شناخته شده و مرتکب در صورت احراز سایر شرایط، مشمول اجرای حد خواهد شد. شرط اصلی تحقق زنا و تفکیک آن از سایر عناوین مربوط به جرایم جنسی پیش بینی شده در قانون مجازات اسلامی، تفاوت جنسیت در دو طرف عمل جنسی است و نقش موضعی که جماع در آن صورت گرفته، صراحتاً نفی شده است. همچنین در مواردی که جماع بین مرد و زن مشمول عنوان وطی به شبهه، اعم از شبهه حکمی یا موضوعیه باشد، جماع مذکور مشمول حد زنا نمی‌گردد (Sanai, 2012).

در عین حال به موجب مفاد ۲۲۳ قانون مجازات اسلامی ادعای زوجیت در کنار ادعای وطی به شبهه یا ادعای اشتباه، به جز در مواردی که خلاف آن با حجت شرعی ثابت شود -در مورد متهم به عمل زنا- از موجبات سقوط حد زنا شمرده شده است. حال آن که در ماده ۶۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ تنها به ادعای اشتباه و ناآگاهی توسط مرد یا زن مرتکب، به عنوان یکی از موجبات سقوط حد اشاره شده است. وجه مشترک هر دو ماده اتخاذ سیاست توأم با بزه پوشی است.

قانون مجازات اسلامی برای عمل زنا در حالات گوناگون، براساس وضعیت حقوقی یا شخصی یکی از طرفین زنا، رضایت یا عدم رضایت زن در حین انجام عمل، مسلمان بودن یا نبودن طرفین زنا و مکان یا زمان ارتکاب آن -ذیل عناوین متعدد- مجازات تعیین نموده که به همه آنها حد زنا، اطلاق می‌شود.

قانونگذار کیفری در ذیل فصل اول بخش اول از کتاب دوم قانون مجازات اسلامی، ذیل عنوان زنا، برخلاف روش مرسوم -به صورت تقسیم بندی انواع جرم براساس عناصر مادی ارتکاب آن- این عناوین را براساس نوع یا نحوه اجرای حد، طبقه بندی کرده است.

در ادامه بر آن شدیم تا فعالیت‌هایی را که در زمره جرایم خلاف عفت عمومی قلمداد شده و از طریق وسایل سمعی و بصری و رایانه و ملحقات آن قابل ارتکاب بوده و در قوانین مربوطه به طور پراکنده جرم انگاری شده اند، شناسایی نماییم. در ابتدا جرایم موضوع قانون نحوه مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت‌های غیر مجاز می‌نمایند مصوب ۱۳۸۶ استخراج شده و مورد بررسی قرار گرفته است. موضوع بعدی نیز مربوط به مشخص نمودن عناوین مجرمانه مندرج در قانون جرائم رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۸ و بررسی آنها خواهد بود.

الف- انواع فعالیت‌های مجرمانه غیر مجاز در زمینه ی فعالیت‌های سمعی و بصری

قانون نحوه مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت‌های غیر مجاز می‌نمایند مصوب ۱۳۸۶ مشتمل بر سیزده ماده و دوازده تبصره است که عناوین جزایی متعددی را در ارتباط با امور سمعی و بصری در بر می‌گیرد، ضمانت اجرای کیفری پیش بینی شده در مورد این عناوین عمدتاً مشتمل بر جزای نقدی، حبس، ضبط تجهیزات و گاهی نیز -در مورد ارتکاب برخی موارد- مجازات حد پیش بینی شده است. این مجازات‌ها از حیث نوع، افرادی که مرتکب اعمال مجرمانه می‌شوند و فعالیت‌های غیر مجازی که ارتکاب می‌یابد و آثار سمعی و بصری که موضوع این فعالیت‌ها قرار می‌گیرند، دارای تنوع زیادی بوده و از حیث میزان و نوع و شرایط تحقق عنصر مادی مربوطه متفاوت خواهند بود (Shambiani, 2021).

### جرایم تروریستی

از جمله جرائم مذکور در ماده ۲۳-۷۰۶، جنایات و جنحه‌های سازمان‌یافته<sup>۱</sup>، جنایات و جنحه‌های تروریستی<sup>۲</sup> و نیز جنحه‌های اجتماع بزهکاری<sup>۳</sup> هستند. بنابراین، درحالی‌که مدت تحت‌نظر بودن اشخاص برای جرائم عادی با احتساب یک نوبت تمدید، حداکثر ۴۸ ساعت است، لیکن درباره برخی از جرائم مهم مانند جرائم تروریستی و سازمان‌یافته، علاوه بر ۴۸ ساعت اولیه، تا ۴۸ ساعت دیگر نیز قابل تمدید است. ازاین‌رو، مدت تحت‌نظر در این جرائم را می‌توان حداکثر ۴ روز کامل دانست.

همچنین حقوق فرانسه با حذف دادگاه‌های نظامی اختصاصی در سال ۱۹۶۱ -۱۹۶۲ و نیز با تصویب قانون ۲۱ ژوئیه ۱۹۸۲ رسیدگی به جرائم علیه امنیت این کشور را درعمل در اختیار دادگاه‌های تخصصی در امور نظامی قرار داده است. باین‌حال، قانونگذار هنوز به تأثیرات عمده زمان وقوع جرائم امنیتی (در حال جنگ یا صلح بودن) در ایجاد صلاحیت اختصاصی محاکم اعتقاد دارد. ازاین‌رو، بر مبنای مقررات آیین دادرسی کیفری فرانسه، محاکم نظامی برای جرائم نظامی و عمومی مورد ارتکاب نظامیان در زمان جنگ و نیز جرائم ارتكابی علیه امنیت کشور، دارای صلاحیت‌اند.

۱. موضوع مواد ۴-۲۲۱، ۴-۲۲۲، ۲-۲۲۴، ۹-۳۱۱ و ۸-۳۲۲ ق.م.ع جدید فرانسه

۲. موضوع مواد ۱-۴۲۱ تا ۵-۴۲۱ ق.م.ع جدید فرانسه

۳. موضوع ماده ۱-۴۵۰ ق.م.ع جدید فرانسه

نظام بین‌المللی حقوق بشر نیز به تقابل امنیت و آزادی در مبارزه با تهدیدهای خارجی نظیر تروریسم نظر داشته است. در این نظام، از طرفی به دولت‌ها اجازه داده شده که بنا بر حفظ آزادی دیگران و امنیت، محدودیت‌هایی بر حقوق بشر وضع نمایند؛ از طرف دیگر علاوه بر این محدودیت‌ها امکان تعلیق برخی از قواعد حقوق بشر پیش‌بینی شده‌اند. نظام مذکور با شناسایی وضعیت‌های اضطرار عمومی که در آن حیات ملت تهدید می‌شود، به دولت‌ها اجازه تعلیق برخی از قواعد حقوق بشر را داده است. آستانه تهدید حیات ملت به قدری بالا است که بتواند تضمین‌کننده حقوق افراد در برابر ادعاهای احتمالی تهدید منافع عمومی باشد (Abdollahi, 2019). ماده ۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، در واقع بیانگر سازوکار فوق است. به موجب این ماده:

«دولت‌های عضو این میثاق، تصدیق می‌کنند که در برخورداری از حقوقی که مطابق این میثاق برای دولت (عضوی) مقرر شده است، آن دولت نمی‌تواند این حقوق را تابع محدودیت‌هایی کند؛ مگر محدودیت‌ها به موجب قانون و در تطابق با ماهیت حقوق مذکور و به منظور توسعه رفاه عمومی در یک جامعه دموکراتیک اعمال گردد».

شاید بتوان این موضوع را به حق شرط یا رزرو در معاهدات بین‌المللی تشبیه کرد؛ یعنی همان‌گونه که غرض از قبول حق شرط، معاف‌کردن برخی دولت‌ها از تعهدات اساسی معاهده و در نتیجه عدم تحقق موضوع و هدف آن نیست، (فلسفی، ۱۳۹۹، ص ۲۲۸) بلکه مقصود، تحمل قدری انعطاف‌پذیری است؛ به منظور آنکه دولت‌ها هر چه بیشتر به آن بپیوندند و بر دامنه اجرای مقررات اساسی معاهده، هر چه بیشتر افزوده شود. در زمینه پذیرش امکان تعلیق پاره‌ای از حقوق در شرایط اضطراری نیز غرض این است که با قبول قدری انعطاف‌پذیری دولت‌ها که نگران حفظ حیات ملی خود در شرایط اضطراری هستند، آسوده‌خاطر شوند و جامعه بین‌المللی هم بتواند به تعهد حمایت از حقوق بشر عمل نماید (Fazeli, 2018).

#### اختصاصات جرائم مشهود در حقوق ایران

در این بخش اختصاصات جرائم مشهود در حقوق ایران تشریح شده است. در واقع مواردی که در ذیل می‌آید جزء جرائم مشهود محسوب می‌شود که با توجه به شرایط خاص دینی و مذهبی کشورمان جزء جرائم مشهود بوده که در حقوق کشور فرانسه با توجه به ساختار متفاوت اعتقادی و فرهنگی آن‌ها جزء جرائم مشهود محسوب نمی‌شود.

#### تظاهر به عمل حرام

ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی بیان می‌دارد، که هر کس «علناً در انظار و اماکن عمومی و معابر تظاهر به عمل حرامی نماید، علاوه بر کیفر عمل به حبس از ده روز تا دو ماه یا تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم می‌گردد و در صورتی که مرتکب عملی شود، که نفس آن عمل دارای کیفر نباشد، ولی عفت عمومی را جریحه دار نماید، فقط به حبس از ده روز تا دو ماه یا تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم خواهد شد».

به موجب ماده اخیر تظاهر به ارتکاب عمل حرام در انظار و اماکن و معابر عمومی جرم شناخته شده است. تظاهر در لغت به معنی آشکارا عمل نمودن و آشکار نمودن، خودنمایی کردن و وانمود کردن به داشتن صفت یا حالتی می‌باشد. «علناً» نیز به معنی آشکارا انجام دادن فعل یا ترک فعل می‌باشد و از نقطه نظر جزایی هرگاه ارتکاب عملی در مرئی و منظر عموم صورت گیرد، اعم از این که محل ارتکاب از امکان عمومی باشد، یا خیر و یا در اماکن عمومی و اماکن مهیا برای پذیرش عموم باشد، آن را علنی گویند. (بند الف از ماده ۲۱۴ مکرر ق.م.ع) و از سوی دیگر باید توجه داشت، که «صرف ارتکاب فعل حرام با سوء نیت خاص در انظار و اماکن عمومی برای تحقق بزه کافی است، اعم از اینکه در لحظه ارتکاب بیننده‌ای حضور داشته یا نداشته باشد» (نظریه ۷/۵۵۵۷ - ۷۲/۹/۱۳ اداره حقوقی قوه قضائیه، به نقل از محشای



قانون مجازات اسلامی دکتر گلدوزیان) لذا «مقصود از ارتکاب عمل منافی عفت به طور علنی اعم است، از این که عمل در مرئی و منظر عمومی واقع شود و یا در مکانی که مستعد عموم باشد و قصد مرتکب به پنهان نمودن عمل و احتراز از علنی بودن و آشکار شدن آن تأثیری نخواهد داشت. بنابراین «احتراز مرتکب از رؤیت مردم و آشکار شدن موضوع به هیچ وجه تأثیری در علنی بودن موضوع ندارد و همین که عمل در محلی به وصف مذکور ارتکاب شود، علنی محسوب می‌گردد». (حکم شماره ۴۱۳ - ۱۸/۲/۳۱ شعبه ۲ دیوان عالی کشور) پس ارتکاب عمل منافی عفت در پس کوچه و تاریکی شب مشمول ارتکاب عمل در علن خواهد بود.

اما با توجه به صدر ماده قابل استنباط است، که تظاهر به عمل حرامی غیر از عدم رعایت حجاب شرعی، لزوماً باید با قصد آشکار کردن عمل (قید «تظاهر» کردن) و در علن واقع شود، لذا ارتکاب عمل حرامی مثل هتک حرمت و یا توهین به کسی چنانچه در علن ولی بدون قصد تظاهر صورت گرفته باشد، مثلاً صرفاً به خاطر عصبانیت بیش از حد، مشمول ماده اخیر قرار نمی‌گیرد. گرچه برخی از حقوقدانان بر این باورند، صرف ارتکاب عمدی عمل در علن برای تحقق موضوع این ماده کافی است و نیازی به قصد تظاهر نیست (Jafari Langarudi, 2018). به نظر می‌رسد قسمت اول صدر ماده اشاره به عمل حرامی دارد، که در قانون جرم انگاری شده است در حالی که در بخش دوم سخن از تظاهر به عمل حرامی است، که مقنن برای آن، وضع کیفر نکرده است. اما عمل حرامی است که عفت عمومی را جریحه دار می‌کند؛ پس عملی که حرام نباشد، ولو آن که به نحوی تب جریحه دار شدن عفت عمومی تلقی گردد و یا حرام باشد، اما از نظر قانون «دارای کیفر نباشد و یا عفت عمومی را جریحه دار نکند، مشمول این ماده نخواهد بود». (نظریه مشورتی ۷۲/۴/۷-۷/۲۵۳۰ اداره حقوقی قوه قضائیه) لازم به ذکر است، تظاهر به شرب مسکر به موجب ماده ۷۰۱ ق.م از عموم این ماده خارج شده است، که توضیح داده خواهد شد. در واقع مقنن در این ماده «تظاهر به ارتکاب عمل حرام» را و نه نفس ارتکاب عمل حرام را، مستوجب کیفر شناخته است.

عمل حرام نیز فعل یا ترک فعلی است، که به موجب فقه اسلامی معصیت و مخالفت با اوامر و نواهی شارع مقدس تلقی می‌شود. البته به نظر می‌رسد، آن دسته از معاصی که «کبیره» تلقی می‌شوند، در این ماده مورد نظر قانون گذار بوده است، گرچه باید توجه داشت، که اصرار بر گناهان صغیره هم گناه کبیره است. علی رغم این که نظر بسیاری از حقوقدانان در مورد بخش دوم ماده فوق الذکر آن است، که قانون گذار در مقام تعیین مجازات برای تظاهر به فعل حرامی بوده است، که در قانون جرم انگاری نشده است. اما نگارنده معتقد است، تفسیر دقیق تر ماده که متناسب با فلسفه تشریح این حکم و موافق ظاهر ماده نیز می‌باشد آن است، که همان گونه که در متن ماده هم در قسمت اخیر به آن تصریح شده و از ارتکاب عمل به طور مطلق یاد شده است و قید «حرام» بودن برای عمل ارتکابی ذکر نشده است، بهتر است، که تظاهر به ارتکاب فعل غیر حرام شرعی که در قانون جرم انگاری نشده است. اما به تشخیص عرف موجب جریحه دار شدن عفت عمومی می‌شود، را مشمول این ماده بدانیم. به طور مثال هر سطحی از رابطه جنسی بین زوجین شرعی و قانونی، حلال است و حرمت شرعی ندارد، اما تظاهر به آن در علن ممکن است، منجر به جریحه دار شدن عفت عمومی شود. لذا از آنجایی که مقنن با وضع این قانون به دنبال حفظ حریم اخلاقی اجتماع بوده است، این تفسیر موافق مذاق قانون گذار هم می‌باشد. کما این که در فقه و اخلاق اسلامی هم مکرر تأکید بر لزوم پنهانی بودن تمتعات جنسی زن و شوهر از یکدیگر شده است. البته لازم به ذکر است، که برخی از حقوق دانان به این تفسیر از ماده اخیر هم اشاره نموده‌اند (Zargar, 2018).

به موجب تبصره همین ماده نیز زنانی که بدون حجاب شرعی در معابر و انظار عمومی ظاهر شوند، به حبس از ده روز تا دو ماه و یا از پنجاه هزار تا پانصد هزار ریال جزای نقدی محکوم خواهند شد. در واقع عدم رعایت حجاب شرعی از سوی بانوان نمی‌تواند موجب محکومیت به

شلاق باشد؛ با این که مقنن در این ماده با استعمال لفظ «تظاهر» در مقام بیان وجود قصد مجرمانه و سوءنیت خاص در بزهکار است. چرا که تظاهر به معنای آشکار کردن عامدانه است، اما از آن جهت که عدم رعایت حجاب شرعی در عین علنی و ظاهری بودنش، جرم مطلق و مادی صرف می‌باشد، که وجود سوءنیت خاص در تحقق آن شرط نیست. لذا قانون با آوردن تبصره خاص، این جرم را از شمول حکم صدر ماده خارج ساخته است (Khanali Pour Vajargah, 2011).

پیش از وضع ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی در سال ۱۳۷۵، ماده قانونی جرم عدم رعایت حجاب شرعی ماده ۴ قانون «نحوه رسیدگی به تخلفات و مجازات فروشندگان لباس هائی که استفاده از آن‌ها در ملاء عام خلاف شرع است، یا عفت عمومی را جریحه دار می‌کند، مصوب ۱۳۶۵» بود. برابر این ماده «کسانی که در انظار عمومی وضع پوشیدن لباس و آرایش آنان خلاف شرع و یا موجب ترویج فساد و یا هتک عفت عمومی باشد، توقیف و خارج از نوبت در دادگاه صالح محاکمه و حسب مورد به یکی از مجازات‌های مذکور در ماده ۲ محکوم...» می‌شدند. تبصره ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی ورود خاص بر عام است. چرا که ماده ۴ قانون سابق فوق الذکر نسبت به کلیه اشخاص عمومیت دارد، اما قانون مجازات اسلامی تنها به جرم فقدان حجاب شرعی زنان اختصاص دارد. بنابراین قانون مجازات اسلامی در حدود تعارض، قانون سابق خود را تخصیص زده است؛ (البته قانون «نحوه رسیدگی...» به اعتبار خود باقی است و مستند قانونی برای جرم عدم رعایت پوشش شرعی برای مردان است که بررسی آن خارج از حوصله و موضوع این مقاله است.) محدوده تعارض این دو ماده نیز میزان مجازات مقرر در هر یک است.

ماده ۲ قانون «نحوه رسیدگی...» از مجازات‌های تعزیری به شرح زیر نام می‌برد:

- تذکر و ارشاد
- توبیخ و سرزنش
- تهدید
- ۱۰ تا ۲۰ ضربه شلاق یا جریمه نقدی از ۲۰ تا ۲۰۰ هزار ریال برای استفاده کننده
- ۲۰ تا ۴۰ ضربه شلاق یا جریمه نقدی از ۲۰ تا ۲۰۰ هزار ریال در مورد استفاده کننده.

اما عنوان شد، که این مجازات نسبت به بزهکاران زن اعمال نمی‌گردد. بنابراین مجازات عدم رعایت حجاب شرعی توسط زنان منحصر در همان دو موردی است، که ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی مقرر کرده است.

### استعمال متجاهرانه الکل

به موجب ماده ۷۰۱ ق.م: «هر کس متجاهراً و به نحو علن در اماکن و معابر و مجامع عمومی مشروبات الکلی استعمال نماید، علاوه بر اجرای حد شرعی شرب خمر به دو تا شش ماه حبس تعزیری محکوم می‌شود.»

گرچه جرم موضوع این ماده قابل انطباق با ماده ۶۳۸ نیز می‌باشد، اما چون این ماده مورد خاصی را مطرح می‌کند، بنابراین ماده ۷۰۱ عموم ماده ۶۳۸ را تخصیص می‌زند.

کلمه «متجاهر» از ماده «جهر» به معنای آشکارا عمل نمودن و آشکار نمودن و ظاهر نمودن است و متجاهر نیز کسی است، که عملش را «عمداً» آشکار می‌نماید. مقصود از «متجاهر» عمداً آشکار ساختن است و داشتن قصد آشکار ساختن عمل شرط است و اگر کسی هم این عمل را نبیند باز هم قید «تجاهر» به آن صدق می‌کند. در عین حال برخی معتقدند، شرایطی مانند لزوم آگاه بودن مرتکب به موضوع (مسکر

بودن) و حکم (حرام بودن) که برای اجرای حد شرعی شرب خمر لازم است، برای تحقق جرم موضوع این ماده ضرورتی ندارد (Jafari, 2011).

از سوی دیگر در ماده قید «به نحو علن» وجود دارد. «علن» در لغت به معنی آشکار و هویدا و ضد خفا و پنهان می‌باشد. «مقصود از ارتکاب عمل به طور علنی در قوانین جزایی اعم است، از این که در مرئی و منظر عموم واقع شود، یا در اماکنی که محلی برای حضور عموم باشد و معابر اعم است، از کوچه و خیابان و به طور کلی محلی که ممر عام شناخته می‌شود و امکان عمومی محسوب است و احتراز مرتکب از رؤیت مردم و آشکار شدن موضوع به هیچ وجه تأثیری در علنی بودن موضوع ندارد».

پس همان گونه که بیان شد، برای تحقق موضوع این ماده علاوه بر لزوم ارتکاب علنی شرب خمر، استعمال متجاهرانه آن نیز لازم است. یعنی فرد هم باید در علن مرتکب این عمل شود و هم در انجام عمل، قصد آشکار ساختن آن را داشته باشد. پس اگر کسی در یک پارک عمومی با استفاده از تاریکی شب به دنبال شرب خمر به صورت پنهانی باشد، مشمول این ماده نیست. زیرا اگر چه به نحو علن است، اما متجاهراً نیست. از سوی دیگر اگر کسی در خفا مشروب بنوشد و در حالت مستی به اماکن یا معابر یا مجامع عمومی بیاید مشمول حکم این ماده نخواهد بود، چون کلمه استعمال ظهور در نوشیدن دارد؛ حال اگر شخص مست در اماکن یا معابر یا مجامع عمومی به شرب مسکر ادامه دهد، باید به سراغ عموماً عوامل رافع مسؤلیت کیفی رفت، اگر این شخص از خود اراده‌ای نداشته باشد، قابل مجازات موضوع این ماده نخواهد بود. باید توجه داشت، که «چنان چه بر اثر عللی مثل توبه حد شرب خمر ساقط شود، این موضوع تأثیری در سقوط مجازات تعزیری نخواهد داشت. زیرا این مجازات جهت تجاهر و استعمال علنی مشروب است».

#### تظاهر به قدرت نمایی

ماده ۶۱۷ قانون مجازات اسلامی بیان می‌دارد: «هر کس به وسیله چاقو و یا هر نوع اسلحه دیگر تظاهر یا قدرت نمایی کند یا آن را وسیله مزاحمت اشخاص یا اخاذی یا تهدید قرار دهد یا با کسی گلاویز شود، در صورتی که از مصادیق مجارب نباشد به حبس از شش ماه تا دو سال و تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم خواهد شد». به نظر می‌رسد که صدر ماده دارای اشکال نگارشی است و می‌بایست بین کلمه «تظاهر» و «قدرت نمایی»، لفظ «به» به جای حرف «یا» به کار می‌رفت. با این فرض، منظور از تظاهر در ماده، خود نمایی و وانمود کردن به داشتن صفتی است. بنابراین منظور از تظاهر به قدرت نمایی با هر نوع اسلحه آن است، که کسی با نشان دادن اسلحه‌ای قدرت و زور خود را به رخ دیگران بکشد و خود را زورمند قلمداد نماید، که در واقع نوعاً نتیجه چنین عملی ارباب دیگران است (Sabzevari Nejad, 2019).

پر واضح است، که تشریح چنین ماده‌ای از باب بازدارندگی بوده و برای صیانت از امنیت عمومی جامعه است، لذا جرائم مذکور در این ماده جرائمی مطلق بوده که صرف ارتکاب عمل صرف نظر از وقوع نتیجه جرم می‌باشد. از همین روی صرف «تظاهر» به قدرت نمایی جرم انگاری شده است.

#### تجاهر به قمار بازی

«قمار بازی با هر وسیله‌ای ممنوع و مرتکبین آن به یک تا شش ماه حبس و یا تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم می‌شوند و در صورت تجاهر به قمار بازی به هر دو مجازات محکوم می‌گردند». (ماده ۷۰۵ ق.م) با توجه به تعریف پیشین از تجاهر و لزوم عامدانه بودن آن، در این ماده نیز چنانچه مرتکب عملش را عمداً آشکار نماید، اگر چه کسی هم نبیند، مصداق تجاهر تحقق یافته است. اما در حکم شماره ۶۸ شعبه ۶ دیوان عالی کشور

«تجاهر» معادل ارتکاب «علنی» دانسته شده و این گونه بیان می‌دارد، که: «قمار علنی (تجاهر به قمار) وقتی تحقق پیدا می‌کند، که عمل در مرئی و منظر عمومی باشد...» و ملاک علنی بودن نیز به موجب حکم شماره ۹۱۳ شعبه ۱۱ دیوان عالی کشور «... این است، که عمل قمار در مرئی و منظر عموم باشد...» حال آن که فرض تظاهر به ارتکاب قمار در یک محیط غیر علنی مثل مهمانی خانوادگی هم قابل تصور است. لذا «تجاهر» نمی‌تواند معادل «علن» باشد و باید این تفکیک را قائل شد و صرف تظاهر به قمار در مرئی و منظر عموم را ولو آن که در یک محیط غیر عمومی باشد، باید مشمول ماده اخیر دانست کما این که قانون‌گذار در ماده ۷۰۱ ق.م.ب به وجود این تفکیک تصریح نموده و در مورد شرب خمر هم ارتکاب متجاهرانه و هم ارتکاب علنی را توأمان شرط تحقق موضوع ماده دانسته است. عنصر معنوی این جرم، سوءنیت عام است، اما چون قمار به صورت برد و باخت انجام می‌شود، معمولاً قصد تحصیل مال نیز به عنوان سوءنیت خاص در تحقق آن لازم است. بنابراین همان گونه که اداره حقوقی قوه قضائیه در نظریه شماره ۶۵/۹/۵-۷/۴۱۰۴ اعلام نموده است، قمار بدون قصد بردن پول یا مال مشمول این حکم نیست.

### تظاهر غیر مسلمان به شرب خمر

با وجود این که شرب خمر در شریعت اسلام عملی حرام و مستوجب حد است، اما چنانچه کفار اهل ذمه به عهد خویش در نظام اسلامی وفادار باشند و مخفیانه شرب خمر نمایند، مجازات نمی‌شوند. اما همان گونه که پیش از این بیان شد، در تظاهر به شرب خمر توسط مسلمان علاوه بر حد شرب خمر به موجب ماده ۷۰۱ ق.م.ب شارب مسکر به تعزیر هم محکوم می‌شود و این در حالی است، که اگر تظاهر به شرب خمر توسط غیر مسلمان صورت گیرد، تعزیر نخواهد داشت. ولی حد شرب خمر بر وی اجرا خواهد شد.

کما این که ماده ۱۷۴ ق.م.ا اشعار می‌دارد: «حد شرب مسکر برای مرد و یا زن، هشتاد تازیانه است» همچنین در تبصره این ماده آمده است، «غیر مسلمان فقط در صورت تظاهر به شرب مسکر به هشتاد تازیانه محکوم می‌شود».

تصریح صورت گرفته در تبصره ماده فوق‌الذکر بیانگر آن است، که «مجازات شلاق افراد غیر مسلمان در صورت تظاهر به شرب مسکر حد محسوب می‌گردد و نه تعزیر». (نظریه مشورتی ۷۳/۳/۲۵-۷/۹۴۶ ادره حقوقی قوه قضائیه)

### مقذوف متظاهر به فسق

به حکم ماده ۱۴۸ ق.م.ا «اگر قذف شونده به آنچه به او نسبت داده شده است، تظاهر نماید قذف کننده حد و تعزیر ندارد». از آن جایی که «تظاهر» به معنای وانمود کردن است و متظاهر بودن مقذوف دلالت بر صحت اسناد و در نتیجه واهی نبودن اسناد دارد؛ لذا به خاطر فقدان شرط تحقق جرم قذف، که واهی و غیر واقعی بودن اسناد است، عمل ارتكابی جرم نه نخواهد بود.

این در حالی است، که قانون‌گذار در قانون مجازات اسلامی ضمن این که قذف متظاهر به زنا یا لواط را مستوجب حد یا تعزیر نمی‌داند، اما در تبصره ۲ ماده فوق‌الذکر قذف کسی را که متظاهر به زنا یا لواط است، نسبت به آنچه متظاهر به آن نیست، موجب حد می‌داند؛ «مثل نسبت دادن لواط به کسی که متظاهر به زنا است».

گاه نسبت دادن روابط نامشروع به افراد از طریق رسانه‌های مکتوب مانند روزنامه، کتاب، نوشتارهای الکترونیکی در اینترنت و... رخ می‌دهد. این جرم می‌تواند به صورت نوشتار، کاریکاتور و... باشد. درباره قذف نوشتاری چندان ابهامی وجود ندارد و قانون مجازات اسلامی نیز وقوع قذف با نوشتار را ممکن دانسته است.<sup>۱</sup> در حال حاضر بسیاری از رسانه‌های مکتوب برای فروش بیشتر، به بازگویی و شرح روابط نامشروع

تبصره ماده ۲۴۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲.۱

میان برخی افراد نسبتاً معروف می‌پردازند و برای در امان ماندن از شکایت افراد، در نوشتار خود نسبت دادن زنا و لواط را به گونه‌ای به کار می‌برند که ظاهراً در یکی از ارکان تحقق آن اختلال پیش آید: مثلاً به جای نسبت دادن صریح زنا یا لواط، از عباراتی نظیر روابط نامشروع جنسی، روابط بسیار خاص، رسوایی اخلاقی، روابط (...)، افتضاح جنسی و... استفاده می‌کنند. همچنین معمولاً به جای ذکر نام صریح افراد، از عباراتی استفاده می‌شود که ظاهراً مبهم اما در عمل مصداق کاملاً مشخص دارند؛ مانند استفاده از حرف اول نام و نام خانوادگی افراد معروف همراه با قراین کلامی و غیر کلامی که انگشت اتهام را به سمت فرد مشخصی می‌برد. در بحث پیش گفته شد که صراحت در نسبت دادن و تعیین مقذوف از امور عرفی هستند و لذا در چنین مواردی جرم قذف محقق شده است و نمی‌توان از خलाهای قانونی سوء استفاده کرد (Alipoor, 2015).

از جمله مسائل مهم و نسبتاً نوپدید در عرصه جرایم علیه شخصیت اشخاص، انتشار عکس، فیلم و کلیپ‌های مربوط به صحنه‌های غیر اخلاقی است. این معضل به ویژه با فراگیر شدن شبکه اینترنت رشد صعودی داشته است. حال پرسش اینست که آیا چنین اعمالی را می‌توان مصداق قذف دانست و آیا ارکان تحقق قذف در آن‌ها وجود دارد؟ با اینکه چنین مسئله‌ای در فقه سنتی دارای پیشینه نیست، با توجه به مباحث قبلی می‌توان حکم چنین مسائلی را بر مبنای مسلمات فقهی به دست آورد. پرسش نخست آنست که آیا به طور کلی می‌توان عنوان رمی به زنا یا لواط را بر نمایه‌های مستهجن صادق دانست؟ بنا بر آنچه پیشتر گفته شد، رمی مفهومی عرفی است و هر چه را که ظهور عرفی در نسبت زنا یا لواط دادن داشته باشد، دربر می‌گیرد و به نظر می‌رسد ظهور دلالتی برخی نمایه‌ها، کمتر از قذف گفتاری و نوشتاری نیست. حال اگر چهره افراد موجود در نمایه‌های مذکور به گونه‌ای معلوم و قابل تشخیص باشد که عرفاً شناسایی شدنی به شمار آیند یا خود انتشار دهنده به هويت آن افراد اشاره کند، رکن معین بودن مقذوف نیز تحقق پیدا می‌کند<sup>1</sup> (Shambiani, 2021). در خصوص انتشار چنین عکس و فیلم‌ها، چندین حالت را می‌توان متصور شد:

حالت اول: انتشار هرزه نگاشته‌ها درباره افرادی باشد که به صورت حرفه‌ای در بی بندوباری‌های جنسی کارها دارند<sup>2</sup> یا خودشان برای نخستین بار آن‌ها را در دسترس دیگران قرار داده یا صحت این عکس‌ها و فیلم‌ها را تأیید کرده اند. طبیعتاً در این گونه موارد بیشتر مخاطبان، افراد موجود در عکس یا فیلم را می‌شناسند. در این گونه موارد اساساً نمی‌توان عنوان قذف را برای کسانی که به انتشار این تصاویر پرداخته اند، محقق دانست؛ چرا که مقذوف دارای صفت احصان و پاکدامنی نیست و به گناه خویش تجاهر کرده است (Saadati, 2018).

حالت دوم: انتشار هرزه نگاشته‌ها درباره افرادی باشد که متجاهر به روابط خاص نامشروع نیستند و انتساب آن‌ها را به خود قبول ندارند به عبارت دیگر، با دیدن عکس یا نماهنگ مربوطه شخصیت‌های موجود در آن قابل شناسایی عرفی باشند یا انتشار دهنده به هويت آنان تصریح کرده، اما آن افراد انتساب این نمایه‌ها را به خود قبول نداشته باشند. در این حالت عنوان رمی و نیز رکن معین بودن و احصان مقذوف محقق است و انتشار دهنده برای رهایی از مجازات قذف، راهی جز ثابت کردن ادعای خود ندارد؛ اگر جعلی بودن نمایه‌ها ثابت شود، بدون شک، جرم قذف به وقوع پیوسته و در غیر این صورت اگر ادعای قاذف در دادگاه توسط شهادت شهود یا اقرار متهمان ثابت شد، مجازات قذف ساقط خواهد بود، اما اگر جعلی بودن نمایه‌ها و صحت انتساب آن‌ها به مقذوفین به نحوی توسط کارشناسان ثابت شد که برای قاضی علم به وقوع زنا یا لواط حاصل شود، ظاهراً اجرای مجازات قذف دارای ایراد خواهد بود؛ چرا که قاضی نمی‌تواند برخلاف علم خود

به بیان دیگر مقصود از نمایه‌های مستهجن در این نوشتار عکس و فیلمهایی است که نشان دهنده و قرع زنا یا لواط میان دو نفر باشند نه هر تصویر مستهجنی. برای دیدن 1 انتقادهای وارد بر تعریف قانون جرایم رسانه‌ای از تصاویر مستهجن

2 Porn stars

حکم دهد؛ مگر آنکه ادعا شود علم قاضی تنها در صورتی حجت است که از طرق خاص (شهادت و اقرار) به دست آمده باشد نه از طریق رأی کارشناسان. در صورتی که افرادی که نمایه به آن‌ها منسوب است، صحت آن را قبول اما ادعا کنند که عمل آنان مشروع بوده (وجود علقه زوجیت موقت یا دائم) ظاهراً اجرای مجازات قذف توجیهی ندارد، به این دلیل که برای قاضی شبهه ایجاد شده و طبق قاعده درء، شبهه مانع اجرای حد می‌شود؛ همان گونه که اگر چهار نفر بر مشاهده رابطه خاص جنسی میان دو نفر شهادت دهند و آنگاه مشهود علیهم بر وجود علقه زوجیت موقت یا دائم میان خود ادعا کنند یا شاهد بیاورند، اجرای مجازات قذف بر شهود مشکل خواهد بود کما اینکه در موردی که چهار نفر به زناى زنی شهادت دهند و سپس دلیل بر بکارت آن ارائه شود، شهود و زن هیچ کدام حد نمی‌خورند (Abdollahi, 2019).

حالت سوم: انتشار هرزه نگاشته در قالب ساختار بازیگری باشد؛ یعنی بازیگرانی در نقش افراد حقیقی بازی کنند و با به تصویر کشیدن صحنه‌های مستهجن یا سکانس‌هایی کنایی، آنان را دارای رابطه جنسی نامشروع قلمداد کنند. در این حالات به نظر می‌رسد که دادگاه باید با لحاظ قراین کلی تشخیص دهد که آیا جرم قذف محقق شده است یا خیر؟ مثلاً اگر آن فیلم در قالب تاریخی - مستند باشد یا در قالب تخیلی - فانتزی یا کم‌دی، مسئله فرق می‌کند. البته محقق نشدن جرم قذف به معنای مجاز بودن عمل یا بی مجازات بودن آن نیست و چه بسا بنابر صدق عناوین دیگری، مجازاتی شدیدتر از مجازات قذف بر چنین فعالیت‌هایی مترتب شود که در ادامه به آن پرداخته خواهد شد.

#### هتک آبروی افراد

بدون شک انتشار تصاویر مستهجن منسوب به افراد از بزرگترین موارد هتک حرمت و آبروی انسان هاست که چه بسا موجب سرخوردگی، افسردگی و مرگ اجتماعی منسوبان به آن‌ها شود و حتی در صورت ثابت نشدن صحت این تصاویر یا نماهنگ‌ها، چنین اثری از بین نخواهد رفت. البته شاید گفته شود در تمامی مصادیق قذف، حتی قذف گفتاری، هتک آبروی افراد روی می‌دهد، اما باید توجه داشت که هتک حرمت ناشی از نشان دادن اعضای بدن افراد در حالت‌هایی نظیر آمیزش به هیچ عنوان با نسبت دادن‌های زبانی قابل قیاس نیست (Taheri, 2013).

#### هتک حریم جسمانی افراد

از نگاه اسلام، اعضای بدن انسان، به ویژه زنان، دارای حرمتی است که نه خود فرد حق دارد آن اعضا را برای بیگانگان و نامحرمان به نمایش بگذارد و نه دیگران حق چشم دوختن به آن اعضا را دارند. حتی اگر زنی در راستای پیشگیری از چنین نگاهی با فرد خاطی درگیر شود و با رعایت مراحل نهی از منکر، او را مجروح یا مقتول کند، ضامن نخواهد بود. حتی کسی حق ندارد زیبایی‌های بدن زنان را برای مردان بیگانه نقل کند، چرا که احتمال وقوع جرایم جنسی در این صورت بالا خواهد رفت و علاوه بر ایدای آن زن، امنیت وی نیز به خطر خواهد افتاد. چنین عملی که اصطلاحاً «تشبیب» نامیده می‌شود، به گفتار و شعر و... اختصاص ندارد و هر چه را که مفسده ذکر زیبایی بدن زنان مسلمان را در خود داشته باشد، شامل می‌شود. این مسئله در نمایه‌های مستهجن به بدترین صورت ممکن اتفاق می‌افتد و حریم جسمانی افراد مربوطه هتک می‌شود. در این صورت تفاوتی ندارد که عمل صورت گرفته رابطه نامشروع باشد یا مشروع و قانونی و به هر حال مفسدتی که بر آشکار شدن اعضای بدن انسان مترتب است، در این نمایه‌ها نیز موجود خواهد بود. از این نظر نیز انتشار نمایه‌های مستهجن حرام است و این موضوع شاید از عناصر تشدید مجازات قرار گیرد. (Salimi & Davari, 2019).

اشاعه فحشا

اشاعه فحشا از گناهانی است که در قرآن کریم درباره آن وعده عذاب داده شده است<sup>۱</sup>. معنای اشاعه فحشا خواه رواج دادن فحشا و گناه باشد خواه اتهام فحشا به دیگران زدن<sup>۲</sup>.

انتشار هرزه نگاشته‌ها بر هر دو عنوان صادق است؛ یعنی از سویی انتشار عکس‌ها و نماهنگ‌های مستهجن موجب می‌شود میل به بی بندوباری جنسی در افراد فزونی بگیرد و از سوی دیگر موجب متهم شدن افرادی می‌شود که تصاویر مزبور به آنان منسوب است. برخی از فقها حتی ذکر محاسن جسمانی زنان را در کلام شعری (تشبیب) موجب اشاعه فحشا دانسته‌اند (Ansari, 1842) و معلوم است که نشر نمایه‌های مربوط به جسم آنان به طریق اولی دارای چنین مفسده‌ای خواهد بود.

### ارتکاب قذف در رسانه‌های عمومی

اما در خصوص حالت دوم قذف رسانه ای، یعنی در جایی که جرم قذف از طریق اعلام شدن در رسانه‌های جمعی اعم از رسانه‌های چاپی، شنیداری یا شنیداری - دیداری، روی دهد (نه از طریق عکس و فیلم) نیز باید به اثرات خاص رسانه‌های جمعی در چنین مواردی توجه داشت. چراکه این رسانه‌ها عموماً دارای مخاطبان بسیار گسترده اند و از سوی دیگر خبری که از آن‌ها انتشار یابد، تقریباً هیچ گاه قابل امحای کامل نخواهد بود. مثلاً نمی‌توان تمام نسخه‌های یک روزنامه را جمع آوری کرد و خبرهای رادیویی و تلویزیونی نیز در مراکز مختلفی ضبط می‌شوند و همواره امکان بازپخش آن وجود دارد. از سوی دیگر، اخبار بسیاری از رسانه‌ها برای مخاطب دارای خاصیت باورپذیری است و با ده‌ها بار تکذیب نیز نمی‌توان اثر یک خبر دروغ و بهتان آلود را از ساحت جامعه پاک کرد. از این روست که رسانه‌های جمعی نقش انکارناپذیری در تعیین جهت فرهنگ عمومی جامعه دارند. حال باید دید هر یک از این سه ویژگی (کثرت مخاطبان، قابلیت بازپخش و نقش آفرینی در جهت دهی فرهنگ عمومی جامعه) آیا می‌توانند به عنوان عوامل تشدید مجازات در خصوص جرایم علیه شخصیت افراد- به ویژه جرم قذف- مطرح شوند؟

### مراجع تقنینی

#### قوه مجریه

در حقیقت وظیفه قانونگذاری و سیاست‌های کیفری در هر کشور به عهده یک نهاد واحد می‌باشد، در کشور ما این وظیفه مهم بنا به اصول قانون اساسی به مجلس شورای اسلامی در کشور واگذار شده است. که با توجه به عنوان هم از باب جرائم مشهود در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ و هم از باب جرائم رایانه‌ای در قانون جرائم رایانه ۱۳۸۸ اقدام به تهیه و تدوین قوانین خاصی نموده است. اما با توجه به گستردگی و اهمیت این جرم در ادامه خواهیم دید که این وظیفه در کشور به نهادهای دیگری نیز واگذار شده است.

### شورای عالی فضای مجازی

مصوبات شورای عالی فضای مجازی، این شورا به تاریخ ۱۷ اسفند ۱۳۹۰ به فرمان رهبری تشکیل و موظف گردید تا به طور کامل و روز آمد بر فضیای درونی و بیرونی اینترنت اشراف داشته و امنیت این فضا را تأمین سازد. در مصوبه این شورا با موضوع توسعه فضای مجازی سالم، مفید و امن به شماره ۱۰۰۱۵۱ / ۹۴ / ش مصوب ۹۴/۰۱/۳۰ به تعریف فضای مجازی ایمن پرداخته شده است (Gholami, 2017).

۱ إنا الذین یحبون أن یتیح الناجمة فی الدین أمر لهم عذابٌ ألیمٌ فی الدنیا والآخره والله یعلم وأنتم لا تعلمون (نور: ۱۹).  
۲ این دو برداشت از آیه یاد شده قابل استفاده است و برخی از مفسران صورت‌های مختلفی را برای اشاعه فحشا بر شمرده اند که به هر حال انتشار چنین نمایه‌هایی قطعاً جزو آن هاست...

این شورا در ماده ۹ اساسنامه خود به تشکیل کمیسیون عالی تنظیم مقررات فضای مجازی کشور اشاره نموده است. شرح وظایف، اختیارات و ترکیب اعضای کمیسیون عالی تنظیم مقررات فضای مجازی کشور در جلسه مورخ ۲۷ اردیبهشت ۱۴۰۱ روزرسانی شده است. با توجه به ممنوعیت برخی از افعال بخصوص در فضای مجازی مانند: بازی‌های قمار و شرط بندی در حقوق کشور ما برخی از نهادهای قانونی و قضایی وظیفه کنترل و نظارت و پیشگیری در این حوزه را بر عهده دارند که در قسمت ذیل به آن‌ها اشاره می‌شود.

### معاونت فضای مجازی دادستانی کل کشور

براساس ماده ۲۸۸ قانون آیین دادرسی کیفری یکی از وظایفی که دادستان کل کشور برعهده دارد نظارت بر حسن اجرای قوانین در دادرسی است. از سویی با توجه به گستردگی اقدامات دادرسی نظارت بر نحوه عملکرد دادرسی توسط معاونت‌های مختلف مستقر در دادستانی کل کشور صورت می‌پذیرد. یکی از معاونت‌های مذکور معاونت فضای مجازی است که در خصوص حسن اجرای قوانین در حوزه فضای مجازی بر عملکرد دادرسی نظارت دارد.

در سال‌های اخیر با توجه به رشد بسیار زیاد انواع جرم مانند پایگاه‌های اینترنتی قمار و شرط بندی و افزایش اقدامات مجرمانه و ارتکاب پولشویی‌های گسترده در بستر سایت‌های قمار، اقدامات پیشگیرانه‌ای توسط معاونت فضای مجازی دادستانی کل کشور صورت پذیرفته است که به عنوان نمونه می‌توان به رصد و پایش سایت‌های قمار و ارسال گزارش و اعلام جرم به دادرسی‌های سراسر کشور علیه مدیران این سایت‌ها اشاره کرد. همچنین کارگروه تعیین مصادیق محتوای مجرمانه به محض شناسایی، کشف یا اعلام فعالیت مجرمانه وب سایت‌های اینترنتی قمار جهت پالایش (فیلترینگ) وب سایت‌های مذکور اقدامات لازم را در این خصوص انجام خواهد داد (Bastani, 2019).

همچنین نمونه‌ای از بخشنامه دادستان کل کشور به شماره ۸۱-۱۲۳ مورخ ۱۳۹۷ در رابطه با سایت‌های اینترنتی قمار و شرط بندی به شرح ذیل ارائه می‌شود:

«احتراما با عنایت به اینکه برخی از افراد در فضای مجازی اقدام به راه اندازی سایت‌های قمار و نیز سایت‌های پیش بینی مسابقات ورزشی و اخذ وجه از کاربران جهت قمار بازی و پیش بینی نتیجه مسابقات می‌نمایند و پس از آن بخشی از وجوه به برنده در بازی قمار یا افرادی که نتیجه مسابقات را به طور صحیح پیش بینی کرده اند پرداخت می‌شود؛ اما با رویه متفاوت قضایی در برخورد با این پدیده مواجه ایم که بعضا منجر به تبرئه این افراد شده است. برخی از آن‌ها در راستای توجیه کار خود به برخی از استفتائات فقهی استناد نموده اند که قمار یا شرط بندی در فضای مجازی را مشمول قمار ندانسته اند و مشاهده شده با استناد به تفسیر مضیق قوانین کیفری از مبالغ کلان درآمد نا مشروع این افراد رفع توقیف به عمل آمده است؛ لذا این دادستانی در راستای ایجاد وحدت رویه بدوا جنبه شرعی موضوع را از طریق مرکز تحقیقات فقهی حقوقی قوه قضاییه مورد بررسی قرار داد که نظریه آن مرکز به شرح پیوست واصل گردید؛ بنابراین با عنایت به نظریه مذکور و بررسی‌های انجام شده موارد ذیل اعلام می‌گردد:

۱. ارتکاب قمار با هر وسیله و ابزاری ولو در فضای مجازی و سایت‌های قمار حرام و جرم است.
۲. طراحی و راه اندازی سایت قمار همچون دایر کردن مکان برای قمار بازی محسوب شده و مشمول ماده ۷۰۸ قانون مجازات اسلامی (بخش تعزیرات) است.
۳. شرط بندی بر روی نتایج مسابقات حرام است لذا هر چند مشمول عنوان قمار دانسته نشود مصداق بارز تحصیل مال از طریق نامشروع و مشمول ماده ۲ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری است.



۴. هر کس کارت بانکی خود را به هر نحو برای وصول هزینه شرکت در قمار و شرط بندی نتیجه مسابقات در اختیاری دیگری قرار بدهد و همچنین هر شخصی که در طراحی سایت یا اجاره فضای میزبانی همکاری داشته باشد عمل وی به علت تسهیل وقوع جرم مصداق معاونت در جرم محسوب خواهد شد.

۵. دادستان‌های محترم مراکز استان وظیفه نظارت بر اجرای این بخشنامه را بر عهده دارند و در خصوص مواردی که مراجع قضایی سابق بر این احکام قطعی برائت بر این گونه فعالیت‌ها صادر کرده اند ضمن جلوگیری از رفع توقیف وجوه، نقود، آلات و ادوات مورد استفاده جرم، وفق مقررات در راستای اعتراض به احکام صادره در مهلت قانونی یا اعاده دادرسی و در نهایت جهت اعمال ماده ۴۷۷ قانون آیین دادرسی کیفری اقدام نمایند.

گروهی بر این باورند که در شرط بندی‌های اینترنتی به رغم مشکلات جدی حاصل از آن و اینکه وجوه کلانی را بدون هرگونه تلاش و زحمت عائد گردانندگان این گونه سایت‌ها می‌کنند و زمینه مراجعه مالباختگان زیادی را به عنوان شاکی به دستگاه قضائی فراهم می‌کند، با نبود عنصر قانونی مواجه هستیم.

ممکن است این طور تصور شود که شرط بندی‌های اینترنتی نوعی قمار است و عنصر قانونی آن را ماده (۷۰۵) قانون مجازات اسلامی می‌دانند که مقرر می‌دارد: «قماربازی با هر وسیله‌ای ممنوع و مرتکبین آن به یک تا ۶ ماه حبس یا تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم می‌شوند». نظر به اینکه قانونگذار تعریفی از قمار ارائه نکرده است باید گفت نوعی توافق است بین دو یا چند نفر که با انجام بازی مخصوص و بر مبنای اتفاق، شانس و تصادف و البته برخی مهارت‌ها، برنده بازی مال معینی را از دیگران دریافت می‌دارد. با توجه به این تعریف و تطبیق آن با آنچه که سایت‌های شرط بندی مسابقات ورزشی انجام می‌دهند؛ نمی‌توان شباهتی را بین عنصر مادی (قمار بازی) که عنوان می‌دارد بازی کردن با آلات قمار برای برد و باخت و تجاهر به قماربازی از عناصر و ارکان لازم تشکیل دهنده بزه موضوع ماده (۷۰۵) قانون تعزیرات مجازات قائل شد. همچنین ضرورتی ندارد که انجام عمل قمار، منتج به نتیجه شود و فقط بازی کردن برای تحقق این جرم کافی است. شرط تحقق بزه قماربازی، این است که مرتکب خود در قماربازی شرکت کند. با عملکرد اینگونه سایت‌ها می‌توان فهمید چرا کاربران مراجعه کننده به این گونه سایت‌ها عملاً بازی خاصی انجام نمی‌دهند، بلکه پس از پرداخت مبلغی نتیجه یک بازی خاص را حدس زده و در صورتی که بخت با آنان یار باشد و حدسشان درست از کار درآید مال معینی را دریافت می‌کنند. به نظر نویسندگان مقاله شرط بندی‌های اینترنتی در مسابقات ورزشی را نمی‌توان بر اساس قوانین موجود همچون ماده (۷۰۵) قانون تعزیرات مجازات اسلامی قماربازی محسوب کرد، بر این اساس قانونگذار باید به صورت مستقل برخی از مصادیق این نوع شرط بندی‌ها را جرم انگاری کند همچنان که موارد مجاز را نیز باید به وضوح اعلام کند.

ممکن است گفته شود شرط بندی‌های اینترنتی نوعی کلاهبرداری اینترنتی است و عنصر قانونی آن را ماده (۱۳) قانون جرائم رایانه‌ای دانسته که مقرر می‌دارد: «هرکس به طور غیر مجاز از سیستم‌های رایانه‌ای یا مخابراتی با ارتکاب اعمالی از قبیل وارد کردن، تغییر، محو، ایجاد یا متوقف کردن داده‌ها یا مختل کردن سیستم وجه یا مال یا منفعت یا خدمات یا امتیازات مالی برای خود یا دیگری تحصیل کند، علاوه بر رد مال به صاحب آن به حبس از یک تا پنج سال یا جزای نقدی از بیست تا یکصد میلیون ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد».

همان طور که ملاحظه می‌شود عنصر مادی جرم (تحصیل مال به طور غیرمجاز از طریق سیستم رایانه‌ای) یا همان به اصطلاح کلاهبرداری اینترنتی وارد کردن یا تغییر دادن یا محو کردن یا ایجاد کردن یا متوقف کردن و یا مختل کردن سیستم رایانه‌ای یا مخابراتی است آن هم به طور غیر مجاز که در نتیجه آن مال یا منفعت یا خدمات یا امتیاز مالی تحصیل شود. اما این رفتارهای مجرمانه نیز با آنچه که ما در سایت‌های

شرط بندی شاهد هستیم چندان تطابقی ندارد، زیرا این گونه سایت‌ها عمدتاً بدون ارتکاب اعمال فوق صرفاً با ایجاد یک وب سایت مثلاً با موضوع حدس زدن نتایج فلان مسابقه ورزشی و جوهری را از کاربران دریافت کرده و سپس به برنده یا همان کسی که حدسش درست از کار درآمده مبلغی را می‌پردازند. بر این اساس به نظر نویسندگان مقاله حاضر، شرط بندی اینترنتی از مصادیق تحصیل مال به طور غیرمجاز از طریق سیستم رایانه‌ای نیست، زیرا همان طور که گفته شد عنصر مادی مندرج در این ماده با عملکرد اینگونه سایت‌ها تطابقی ندارد (Mohammad Nasl, 2018).

این فرضیه هم که شرط بندی اینترنتی را مصداق کلاهبرداری سنتی بدانیم، قابل پذیرش نیست به این معنا که فرد یا افرادی با ایجاد یک سایت اینترنتی و دادن وعده‌های واهی مانند پرداخت جایزه به برنده وجوه کلانی را از کاربران دریافت می‌کنند. شکی نیست اگر در جریان یک رفتار متقلبانه نظیر آنچه که در ماده (۱) قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا و اختلاس و کلاهبرداری آمده، مالی برده شود جرم کلاهبرداری محقق شده است؛ اما محل بحث زمانی است که یک وب سایت در محیط سایبری ایجاد می‌شود و بدون آنکه مرتکب رفتارهای متقلبانه فوق شود و جوهری را در قبال حدس زدن و پیش بینی نتیجه فلان بازی ورزشی دریافت و سپس جوایزی را طبق آنچه که وعده داده است به برندگان اعطا کند. به بیان ساده تر اگر یک سایت اینترنتی بدون ارتکاب افعال مذکور در ماده (۱۳) قانون جرائم رایانه‌ای و نیز در ماده (۱) قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا، اختلاس و کلاهبرداری صرفاً در قبال پیش بینی نتیجه مسابقات ورزشی و جوهری را از کاربران دریافت کند و در آخر مبلغی را به برندگان اعطا کند آیا باز هم مرتکب عمل مجرمانه شده است یا خیر؟! تنها گزینه باقی مانده استناد به ماده (۲) قانون تشدید مجازات مرتکبین اختلاس، ارتشا و کلاهبرداری یعنی تحصیل مال از طریق نامشروع است. اما با توجه به مبانی و اهداف جرم انگاری، رعایت اصل قانونی بودن جرم و مجازات، قاعده قبح عقاب بلا بیان و اینکه یکی از فواید جرم انگاری اعلام جنبه ضدارزشی یک رفتار است رعایت حقوق شهروندی نیز ایجاب می‌کند که شهروندان مصادیق رفتارهای غیرقانونی و قابل مجازات را بدانند. در مورد قلمرو تحصیل مال از طریق نامشروع دیدگاه‌های متفاوتی از سوی حقوق دانان ابراز شده است. مطابق دیدگاه اول، تحصیل مال از طریق نامشروع را باید در چارچوب ماده (۲) ق. ت. م. ا. ا. ک تحلیل کرد. مطابق این دیدگاه قانونگذار به دنبال پوشش مصادیق صدر ماده بوده و با این عنوان راه را بر سوء استفاده کنندگان از امتیازات و موافقت نامه‌های اصولی و... بسته است. براساس دیدگاه دوم قانونگذار با این عنوان به دنبال پوشش مصادیق خاصی بوده که نزدیک به ارتشا، اختلاس و کلاهبرداری هستند، اما نمی‌توان آن‌ها را مشمول یکی از این سه جرم دانست و با این سبک جرم انگاری راه بر این دسته از مجرمین هم بسته خواهد شد. اما دیدگاه سوم برخلاف دو دیدگاه قبلی کلیتی به مراتب بیشتر از دو حالت قبلی برای جرم تحصیل مال از طریق نامشروع قائل است و با این توصیف، همان طور که گفته شد تحصیل مال از طریق نامشروع هر نوع تحصیل عامدانه مال دیگری از طریق توسل به طرق غیرقانونی است که فاقد ضمانت اجرای کیفری در سایر مقررات است. از میان این سه دیدگاه، دیدگاه سوم در رویه‌های قضایی پذیرفته است. این دیدگاه تحصیل مال از طریق نامشروع را جرم دانسته است و می‌توان چنین استدلال کرد که دریافت کردن وجه از طریق قماربازی رایانه‌ای تحصیل مال از طریق نامشروع است، اما در عنصر مادی جرم قمار بیان شده است که «ضرورتی ندارد که انجام عمل قمار، منتج به نتیجه شود و فقط بازی کردن برای تحقق این جرم کافی است». یعنی برای تحقق قماربازی، صرف ارتکاب رفتار مادی آن به همراه سوءنیت مرتکب کفایت می‌کند چه فرد برنده باشد چه بازنده، زیرا قماربازی یک جرم مطلق است که تحقق یا عدم تحقق نتیجه مورد نظر مرتکب تأثیری در وقوع آن ندارد. نظر پذیرفته شده در رویه قضایی در تفسیر ماده (۲) قانون ت. م. ا. ک، نظری منطقی و مطابق اصول حقوقی است ولی با توجه به آنچه ذکر شد این ماده را نیز بنابر اصل قانونی بودن جرم و مجازات نمی‌توان

به ماده (۲) قانون تشدید مجازات مرتکبین اختلاس، ارتشا و کلاهبرداری در مورد مطلق جرم قماربازی مستند کرد، زیرا زیربنای استناد به این ماده، ارتکاب عامدانه همراه با سوءنیت رفتار نامشروعی است که ضمن شباهت با برخی عناوین مجرمانه با هیچ یک از جرائم موجود در قوانین لازم الاجرا مطابقت ندارد، اما نتیجه این رفتار عامدانه تحصیل مال از طریق نامشروع است (Jalali Farahani, 2019).

وجه تمایز مسئله شرط بندی‌های اینترنتی در برخی از مصادیق می‌تواند نزدیک قمار باشد و در برخی دیگر از مصادیق هم مطابق برخی احکام شرعی است و برخی از فقها نیز راهکارهایی برای پیشگیری از قماری شدن شرط بندی‌ها و پیش بینی نتایج مسابقات ورزشی ارائه کرده اند<sup>۱</sup>، موجب تفاوت مبنایی و موضوعی عمیقی شده که در حال حاضر و تا زمانی که این رفتارها جرم انگاری نشده اند، درآمدهای ناشی از این رفتارها را نمی‌توان مضمول تحصیل مال از طریق نامشروع دانست. البته در صورت جرم انگاری شرط بندی‌های اینترنتی چنانچه قانونگذار تکلیف درآمدهای ناشی از آن را معلوم کند، مانند آنچه که در خصوص قمار سنتی در ماده (۷۰۹) تعزیرات سال ۱۳۷۵ تصریح شده است: «تمام اسباب و نقود متعلق به قمار حسب مورد معدوم یا به عنوان جریمه ضبط می‌شود» دیگر نوبت به استناد به ماده (۲) ق. ت. م. م. ا. ک نمی‌رسد.

### پلیس فضای تبادل اطلاعات ناجا

پلیس فتا ناجا که به عنوان یکی از نهادهای تخصصی امنیتی کشور و تحت نظارت نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران انجام وظیفه می‌کند نقش موثری را در اداره امنیت فضای سایبری کشور ایفا کرده است.

سال تاسیس این پلیس به بهمن ماه سال ۸۹ باز می‌گردد که در آن سال پس از تصویب کمیسیون افتاد دولت جمهوری اسلامی ایران به دستور فرمانده نیروی انتظامی ایجاد شده است.

با توجه به اینکه حسب ماده ۲۹ قانون آیین دادرسی کیفری نیروی انتظامی به عنوان ضابطین دادگستری عهده‌دار انجام وظایف محوله در این حوزه می‌باشند، در همین راستا مهمترین وظیفه پلیس فتا به عنوان ضابط دادگستری اجرای دستورات قضایی مرتبط با پرونده‌های جرایم رایانه‌ای می‌باشد. بر همین مبنای بخشی از اقدامات پلیس فتا در حوزه پیشگیری از وقوع جرایم سایبری و رصد و پایش اطلاعاتی رخدادهای سایبری صورت می‌پذیرد. از سویی با توجه به اینکه ایجاد قمارخانه‌های آنلاین یا اداره آن‌ها در بستر فضای مجازی تحت عنوان جرایم سایبری تحت تعقیب و رسیدگی قضایی قرار می‌گیرد پلیس برای شناسایی و ردیابی مدیران سایت‌ها اقدامات لازم را انجام می‌دهد. از جمله این اقدامات رصد و شناسایی وب سایت‌های اینترنتی قمار و اعلام گزارش علیه مدیران سایت به دادسراها و کسب دستور قضایی به منظور مسدود سازی دستگیری و برخورد با دست اندرکاران این قبیل سایت‌ها می‌باشد.

### بنیاد ملی بازی‌های رایانه‌ای

بنیاد ملی بازی‌های رایانه‌ای یکی از نهادهای دیگری است که بر اساس مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی در خرداد ماه سال ۸۵ تاسیس شده است. یکی از اهداف مهم بنیاد سامان دهی بازی‌های رایانه‌ای، حمایت و تشویق تولید کنندگان و مصرف کنندگان بازی‌های رایانه‌ای و کنترل و نظارت محتوای بازی‌های رایانه‌ای می‌باشد. با توجه به اینکه برخی بازی‌های رایانه‌ای که در دنیا ارائه می‌شود دارای محتوای قمار گونه بوده و از این رهگذر ممکن است اشخاص آسیب پذیر جامعه و کودکان را در معرض بزه دیدگی و آسیب‌های جبران ناپذیری قرار دهد

۱ یکی از مخالفان حرمت مطلق شرط بندی آیت الله شیخ حسین حلی از فقهای معاصر هستند، اینکه افراد برای یک امری پول بپردازند و در آخر قرعه کشی شود و یک نفر همه این پول‌ها را ببرد اشکالی نیست و به قضیه ولایت عهدی امام رضا (ع) استناد می‌کنند که در حضور امام (ع)، مأمون ظرفی خواست و مقداری سکه طلا در آن نهاد و دستور داد این ظرف را با ظرف‌های خالی مخلوط کنند و سپس در بین حاضران در مجلس تقسیم کنند، هر کس ظرف محتوی سکه را گرفت آن اموال متعلق به خودش است. همچنین سید محسن طباطبائی حکیم، صلح اوراق بخت آزمایی را جایز دانسته اند، اما خرید و فروش آن را جایز نمی‌دانند

از این رو بنیاد ملی بازی‌های رایانه‌ای نیز در این راستا وظیفه کنترل و نظارت بر محتوای این گونه از بازی‌های رایانه‌ای را عهده دار می‌باشد (Setoudeh et al., 2010).

بدیهی است در مواردی که این نوع بازی به صورت غیر مجاز و در قالب قاچاق وارد کشور شوند به محض شناسایی و کشف توسط این بنیاد نسبت به اعلام گزارش به مراجع قضایی اقدامات لازم صورت می‌گیرد.

### نتیجه‌گیری و پیشنهادها

روند روبه رشد جرایم در جوامع انسانی و پیچیده شدن اقدامات مجرمین با دستیابی به تکنولوژی روز دنیا، گوناگونی جرائم با توجه به افزایش شهرنشینی و تداخل خرده فرهنگ‌های مختلف در شهرهای بزرگ و کوچک، جوامع بشری را در برخورد و شیوه مبارزه با این پدیده اجتماعی، انسانی یعنی بزه و بزهکاری دچار مشکل ساخته است.

درخصوص جرم مشهود تعریف ثابت و مشخصی وجود ندارد و اساتید و حقوقدانان به انحاء مختلف آن را تعریف نموده اند و حتی برخی از آنان صرفاً به ذکر مصادیق اکتفا نمودند و از ارائه تعریف صرفنظر کردند. مبحث جرم مشهود نه تنها در کشور ما بلکه تقریباً در قوانین اکثر کشورها وجود دارد ولی در سیستم حقوقی مختلف، مفهوم واحد و مشترکی ندارد.

قانونگذار ایران صرفاً به ذکر مصادیق جرم مشهود پرداخته و تعریف دقیقی از آن بیان نکرده است و شاید دلیل آن گستردگی مفهوم جرم مشهود باشد که قابل گنجاندن در تعریف خاصی نباشد. مقصود قانونگذار این است که جرائمی که در حیطه مصادیق احصایی جرائم مشهود نباشد جزء جرائم غیرمشهود است. به عبارتی در حال حاضر ملاک تشخیص جرائم مشهود از غیر مشهود، نص قانون است و رویت یا عدم رویت جرم، ملاک کافی نیست. قانون‌گذار یکی از ضوابط و معیار اصلی جرم مشهود را «نزدیک بودن زمان وقوع جرم» دانسته است، هر چند ضوابط دیگری هم وجود دارد. بدین سبب جرم مشهود به جرم مشهود واقعی و جرم مشهود فرضی (حکمی) تقسیم می‌شود که ملاک جرم مشهود واقعی، واقع شدن در مرئی و منظر ضابطین دادگستری و یا حضور و مشاهده بلافاصله مامورین یاد شده در محل وقوع جرم می‌باشد و جرم مشهود فرضی (حکمی) شامل سایر موارد احصایی قانونگذار که توسط ضابطین یا مردم مشاهده نشده است ولی قانونگذار به علت وضعیت خاص وقوع آن را مشهود تلقی می‌کند. با عنایت به اینکه جرم مشهود در جامعه می‌تواند در انواع مختلفی متبلور گردد و مصادیق آن غیر قابل احصا است و قلمرو آن را نمی‌توان به جرم مشخصی محدود کرد، با بررسی و تحلیل دیدگاه‌های فقهی فقهای امامیه و اهل سنت نیز نمی‌توان از اقوال فقها چنین نتیجه گرفت که جرم مشهود محدود و منحصر به جرم خاصی شده باشد و لذا دایره شمول این جرم در فقه نیز نا محدود و شامل همه انواع جرم می‌گردد.

### تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

### مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

### حامی مالی

این پژوهش حامی مالی نداشته است.

## EXTENDED SUMMARY

The increasing complexity and perversiveness of cyberspace in modern societies have necessitated a significant evolution in criminal policies to address crimes that occur within this digital realm. This

paper examines the differentiated legislative responses to apparent crimes in cyberspace, emphasizing the need for policies that adequately reflect the unique characteristics of cybercrimes compared to traditional crimes. The research is grounded in a descriptive-analytical approach, utilizing a comprehensive review of library resources to explore the distinctions between crimes committed in cyberspace and those in the physical world. By examining these differences, the paper highlights the critical need for a more nuanced approach to criminal policy in the digital age.

Cyberspace, characterized by its global reach, anonymity, and the speed at which information can be disseminated, creates an environment where traditional criminal policies may be insufficient or even obsolete. The lack of physical boundaries in cyberspace, for instance, complicates the jurisdictional application of laws, making it challenging to identify the appropriate legal framework for prosecuting crimes that occur online. Moreover, the anonymity afforded by cyberspace enables perpetrators to commit crimes without revealing their identities, posing significant challenges to law enforcement agencies. This anonymity, coupled with the rapid spread of information, necessitates a reevaluation of how criminal policies are formulated and implemented to address the unique challenges posed by cybercrimes (Javidnia, 2017).

One of the key challenges in addressing cybercrimes is the differentiation between apparent crimes in cyberspace and those in the physical world. Apparent crimes, which are immediately observable by law enforcement or the public, take on a different dimension in cyberspace. In the physical world, apparent crimes are those witnessed by individuals, allowing for immediate intervention by authorities. However, in cyberspace, the concept of an "apparent crime" is more complex, as the visibility of a crime can be obscured by the digital medium in which it occurs. For example, a cybercrime such as phishing may not be immediately apparent to the victim or to law enforcement, as the crime is often hidden behind layers of digital anonymity and can be carried out across multiple jurisdictions, further complicating detection and response efforts (Pica, 2021).

This paper argues that a differentiated approach to legislative criminal policy in cyberspace is necessary to effectively combat apparent crimes. Traditional criminal policies, which are often based on the physical characteristics of crimes and the immediate presence of law enforcement, may not be sufficient to address the complexities of cybercrimes. The current legal frameworks often fail to adequately address the nuances of cybercrimes, leading to significant gaps in enforcement and prosecution. For instance, the global nature of the internet means that a crime committed in one country can have repercussions in another, yet the legal frameworks in place may not provide the necessary tools for cross-border cooperation and enforcement. The authors suggest that criminal policies need to be adapted to the unique environment of cyberspace, taking into account factors such as the anonymity of offenders, the rapid dissemination of illegal content, and the global nature of the internet (Qodsi, 2014).

Moreover, the paper highlights the importance of international cooperation in addressing cybercrimes. Given the global nature of cyberspace, crimes committed in one jurisdiction can have repercussions across borders, necessitating a coordinated response from multiple countries. The authors stress the need for harmonized laws and collaborative efforts among nations to effectively tackle cybercrimes. This is particularly crucial in cases where the perpetrators and victims are located in different countries, complicating the process of investigation and prosecution. International treaties and agreements, such as the Budapest Convention on Cybercrime, have been instrumental in facilitating cooperation among countries, but the paper argues that more needs to be done to ensure that all countries adopt and enforce similar standards in their criminal policies concerning cyberspace (Gholami, 2017). Another critical aspect discussed in the paper is the role of technology in both enabling and combating cybercrimes. The rapid advancement of technology has not only provided new tools for criminals but has also offered law enforcement agencies new ways to detect and prevent crimes. For example, advancements in encryption and digital forensics have made it possible to track and trace criminal activities that were previously undetectable. However, these



- [%D9%86%D8%B8%D8%A7%D9%85-%D8%A7%D8%B3%D9%84%D8%A7%D9%85-%D9%88-%D8%BA%D8%B1%D8%A8/](https://www.gisoom.com/book/11244142/%DA%A9%D8%AA%D8%A7%D8%A8-%DA%A9%D9%86%D9%88%D8%A7%D9%86%D8%B3%DB%8C%D9%88%D9%86-%D8%AC%D8%B1%D8%A7%DB%8C%D9%85-%D8%B3%D8%A7%DB%8C%D8%A8%D8%B1-%D9%88-%D9%BE%D8%B1%D9%88%D8%AA%DA%A9%D9%84-%D8%A7%D9%84%D8%AD%D8%A7%D9%82%DB%8C-%D8%A2%D9%86/)
- Jalali Farahani, A. H. (2019). *Convention on Cyber Crimes and Its Additional Protocol*. Khorsandi Publishing. <https://www.gisoom.com/book/11244142/%DA%A9%D8%AA%D8%A7%D8%A8-%DA%A9%D9%86%D9%88%D8%A7%D9%86%D8%B3%DB%8C%D9%88%D9%86-%D8%AC%D8%B1%D8%A7%DB%8C%D9%85-%D8%B3%D8%A7%DB%8C%D8%A8%D8%B1-%D9%88-%D9%BE%D8%B1%D9%88%D8%AA%DA%A9%D9%84-%D8%A7%D9%84%D8%AD%D8%A7%D9%82%DB%8C-%D8%A2%D9%86/>
- Javidnia, J. (2017). *Electronic Commerce Crimes*. Khorsandi Publishing. <http://www.nosabooks.com/m/webui/Search.aspx?qk=subject&q=%D8%AC%D8%B1%D8%A7%DB%8C%D9%85%20%DA%A9%D8%A7%D9%85%D9%BE%DB%8C%D9%88%D8%AA%D8%B1%DB%8C&qt s=3&adv=0&rp=1&next=1&qnk=14870>
- Khanali Pour Vajargah, S. (2011). *Technical Crime Prevention (An Introduction to Risk-Based Criminological Management)*. Mizan Publishing. <https://www.mizan-law.ir/Book/Details/37>
- Mohammad Nasl, G. (2018). *Police and Crime Prevention Policy*. Applied Research Office of the Police Prevention Unit, NAJA. <https://www.sid.ir/paper/480129/fa>
- Pica, G. (2021). *Criminology*. Mizan Publishing. [https://jclr.atu.ac.ir/article\\_16950.html?lang=en](https://jclr.atu.ac.ir/article_16950.html?lang=en)
- Qodsi, S. E. (2014). *Challenging Issues in Special Criminal Law*. Gham Hag Publishing. <https://profdoc.um.ac.ir/articles/a/1067771.pdf>
- Saadati, M. (2018). *Cyber Crimes in Court Rulings*. Cheragh Danesh Publishing. <https://cheraghdanesh.com/shop/%DA%A9%D8%AA%D8%A8-%D8%AF%D8%B9%D8%A7%D9%88%DB%8C-%D9%88-%D8%B1%D9%88%DB%8C%D9%87-%D8%AF%D8%A7%D8%AF%DA%AF%D8%A7%D9%87-%D9%87%D8%A7/%D8%AF%D8%B1-%D8%B1%D9%88%DB%8C%D9%87-%DA%A9%DB%8C%D9%81%D8%B1%DB%8C/%D8%AC%D8%B1%D8%A7%DB%8C%D9%85-%D8%B3%D8%A7%DB%8C%D8%A8%D8%B1%DB%8C/>
- Sabzevari Nejad, H. (2019). *General Criminal Law*. Jangal Javdan Publishing. <https://www.30book.com/book/54938/%DA%A9%D8%AA%D8%A7%D8%A8-%D8%AD%D9%82%D9%88%D9%82-%D8%AC%D8%B2%D8%A7%DB%8C-%D8%B9%D9%85%D9%88%D9%85%DB%8C-%D8%A7%D8%AB%D8%B1-%D8%AD%D8%AC%D8%AA-%D8%B3%D8%A8%D8%B2%D9%88%D8%A7%D8%B1%DB%8C-%D9%86%DA%98%D8%A7%D8%AF-%D9%86%D8%A7%D8%B4%D8%B1-%D8%AC%D9%86%DA%AF%D9%84-%D8%AC%D8%A7%D9%88%D8%AF%D8%A7%D9%86%D9%87>
- Salimi, A., & Davari, M. (2019). *Sociology of Deviance*. Research Institute of Seminary and University Publishing. <https://www.gisoom.com/book/11115867/%DA%A9%D8%AA%D8%A7%D8%A8-%D8%AC%D8%A7%D9%85%D8%B9%D9%87-%D8%B4%D9%86%D8%A7%D8%B3%DB%8C-%DA%A9%D8%AC%D8%B1%D9%88%DB%8C/>
- Sanai, P. (2012). *General Criminal Law*. Ganjesh Danesh Publishing. <https://ganjedanesh.com/>
- Setoudeh, H., Mirzaei, B., & Pazand, A. (2010). *Criminal Psychology*. Avaye Noor Publishing. <https://avayenoor.com/%D8%B1%D9%88%D8%A7%D9%86%D8%B4%D9%86%D8%A7%D8%B3%DB%8C-%D8%AC%D9%86%D8%A7%DB%8C%DB%8C/>
- Shambiani, H. (2021). *Juvenile Delinquency*. Zhubin Publishing. <http://downloads.unaux.com/4742/html>
- Taheri, S. (2013). *Strict Criminal Policy*. Mizan Publishing. <https://www.mizan-law.ir/Book/Details/744>
- Zargar, A. (2018). *Security and Threats in the Information Society*. Qadim Publishing. <https://www.gisoom.com/book/1293758/%DA%A9%D8%AA%D8%A7%D8%A8-%D8%AA%D8%AD%D9%88%D9%84%D8%A7%D8%AA-%D8%AF%D8%A7%D8%AE%D9%84%DB%8C-%D8%B9%D8%B1%D8%A7%D9%82-%D9%88-%D8%A7%D9%85%D9%86%DB%8C%D8%AA-%D9%85%D9%84%DB%8C-%D8%A7%DB%8C%D8%B1%D8%A7%D9%86-%D8%A8%D9%87-%D8%B1%D9%88%D8%A7%DB%8C%D8%AA-%D8%A7%D8%B3%D9%86%D8%A7%D8%AF-%D8%B3%D8%A7%D9%88%D8%A7%DA%A9/>